

۹۱ / ۱۱ / ۲۳

جلسه ۶۲

حقیقت شرعیہ

دوشنبہ

سال سوم

حقیقت شرعیہ

دلیل اول : چراکه مراد شارع همیشه معلوم است

حتی اگر قائل به حقیقت شرعیہ هم نباشیم:
یقین داریم که این الفاظ در کلمات شارع و قرآن به **معنای شرعی** (و لو مجازاً)
استعمال شده اند

حضرت امام

عدم اقامه دلیل توسط امام بر مدعای خویش و استناد به یقین شخصی
در حالیکه ممکن است کسی چنین یقینی را تحصیل نکند

ان قلت:

این یقین بزرگترین ثمره بحث از حقیقت شرعیه است
چراکه: منشأ یقین ایشان این است که این الفاظ از قبل از اسلام دارای معانی
شرعیه بوده اند

قلت:

ایشان می گویند قطعاً مراد شارع همین معانی شرعی است
یا به وضع تعیینی و یا به مجازی بودن استعمالات و یا به استعمال قبل از اسلام
پس: ایشان به سبب یقین به مراد، مبنای خود را انتخاب کرده اند و نه بالعکس

ما می گوئیم

ادله
قائلین
به عدم
ثمره

گروه
اول

دلیل دوم : چراکه الفاظ شارع مستقیماً به دست ما نرسیده است

مرحوم خوئی تبعاً للمحقق النائینی می فرماید بحث از حقیقت شرعیہ ثمره ندارد

اگر جایی کلامی از شارع به ما می رسید بحث مطرح بود:
در حالیکه چنین فرضی وجود ندارد

در مورد روایات ائمه : قطعاً مراد از کلمات همان معنای شرعی است
چراکه تا آن روز حتماً الفاظ دارای معانی شرعی شده بودند

اما در مورد قرآن و روایات نبوی:
همه آنها را ما از طریق ائمه به دست، آورده ایم و ائمه ناقل آنها بوده اند

شهید صدر

ادله
قائلین
به عدم
ثمره

گروه
اول

درباره موارد نقل کلام رسول الله توسط ائمه (علیہم السلام) :

- گاهی نقل به مضمون صورت گرفته = در اینجا حق با مرحوم نائینی است
- گاهی نقل عین الفاظ است = برای تتمیم استدلال بگوییم: چون ائمه در مقام بیان بوده اند، اگر الفاظ نبوی معنایی غیر از معنای شرعی می داشت، می گفتند

ما می گوییم

جاری نبودن این استدلال درباره قرآن :

چراکه قرآن از ناحیه ائمه اطهار (ع) به ما نرسیده است و لذا بحث معلوم نبودن مراد در آن جاری است

تأمل در مورد ائمه متقدم!

حتی اگر بپذیریم که الفاظ در زمان ائمه متأخر دارای معنای شرعی مشهور بوده اند اما این در مورد ائمه متقدم (ع) محل تأمل است.

دلیل سوم: چراکه باید در هر صورت توقف کرد

گفته شده که ثمره بحث در مورد الفاظ به کار رفته در کلام شارع بدون قرینه است:

اگر به حقیقت شرعیہ قائل شویم = حمل می کنیم بر معنای شرعی

اگر به حقیقت شرعیہ قائل نشویم = حمل می کنیم بر معنای لغوی

در فرض عدم قول به حقیقت شرعیہ = نمی توانیم لفظ را بر معنای لغوی حمل کنیم

چراکه در آنجا دوران امر است بین حقیقت لغوی و مجاز مشهور لغوی

در فرض قول به حقیقت شرعیہ = شرط حمل بر معنای شرعی کنیم احراز تأخر

استعمال از پیدایش حقیقت شرعیہ است و چون نمی توانیم پس باید توقف کنیم

ادله
قائلین
به عدم
ثمره

میرزای
شیرازی
(۱)

گروه
اول

دلیل سوم: چراکه باید در هر صورت توقف کرد

تعارض اصل تأخر استعمال هم با اصل تأخر نقل معارض
لذا اصلی در اینجا به کمک ما نمی آید

نتیجه: لزوم توقف در جایی که مراد شارع را نمی دانیم
چه به حقیقت شرعیه قائل شویم و چه قائل نشویم

میرزای
شیرازی
(۲)

ادله
قائلین
به عدم
ثمره

گروه
اول

دو حالت برای عدم حقیقت شرعیه :

۱. یکی اینکه الفاظ بعد از پیامبر به معانی شرعیه نقل یافته باشند
۲. الفاظ از قبل از اسلام دارای معانی شرعی باشند،

ما می گوئیم

عدم توقف بر اساس قول دوم :

در این صورت الفاظ را بر معنای شرعی حمل می کند

اگر قائل به ثبوت حقیقت شرعیہ نباشیم:
حمل الفاظی بدون قرینه در کلام شارع بر معانی لغوی

اگر قائل به ثبوت حقیقت شرعیہ باشیم:
الف. علم به تأخر استعمال شارع از حقیقت شرعیہ = حمل الفاظ بر معانی شرعیہ
ب. عدم علم به زمان استعمال = مشکل بودن حمل الفاظ بر معانی شرعیہ

عدم جریان اصل تأخر استعمال:
أولاً: این اصل با اصل تأخر وضع معارض است.
ثانیاً: اصل تأخر استعمال حجت نیست مگر اینکه به اصل مثبت قائل شویم

مرحوم آخوند
(۱)

ادله
قائلین
ثمره

گروه
دوم

إن قلت: اصل تأخر استعمال، یک اصل عقلایی و بنای عقلا است
قلت: عقلا چنین بنایی ندارند

ان قلت: یکی از اصول عقلایی اصل عدم نقل است. و لذا مثبتات آن حجت است
قلت: اصل عدم نقل در صورت شک در اصل نقل نه زمان نقل

ان قلت: به استصحاب قهقری تمسک می کنیم
قلت: جریان استصحاب قهقرای عدم نقل در صورت شک در اصل نقل نه تأخر نقل
 از استعمال

مرحوم آخوند
 (۲)

ادله
 قائلین
 ثمره

گروه
 دوم

محصل کلام مرحوم آخوند

حکم	توضیح	
حمل لفظ بر معنای شرعی	عدم قول به حقیقت شرعیہ + داشتن معنای شرعی قبل از اسلام	۱
حمل لفظ بر معنای لغوی	عدم قول به حقیقت شرعی + عدم معنای شرعی قبل از اسلام	۲
حمل لفظ بر معنای شرعی	قول به حقیقت شرعیہ شدید + تقدم وضع بر زمان استعمال	۳
حمل لفظ بر معنای لغوی	قول به حقیقت شرعیہ + تأخر وضع از زمان استعمال	۴
توقف	قول به حقیقت شرعیہ + معلو نبودن تقدم و تأخر وضع و استعمال	۵

ادله
قائلین
به عدم
ثمره

گروه
اول

آنچه مرحوم آخوند به عنوان «زمان های نامعلوم» مطرح کرده اند، ۳ قسم است:

۱. هم وضع و هم استعمال، مجهول التاريخ هستند.
۲. وضع معلوم التاريخ، و استعمال مجهول التاريخ است.
۳. وضع مجهول التاريخ، و استعمال معلوم التاريخ است.

و جریان استصحاب در هر یک از این موارد با دیگری متفاوت است

ما می گوئیم
(۲)

اختلاف در اجرای اصل در اطراف علم اجمالی

مرحوم آخوند: جریان اصل در اطراف علم اجمالی و تساقط آن به جهت تعارض
مرحوم شیخ انصاری: عدم جریان اصل در اطراف علم اجمالی

ما نحن فیه، از مصادیق اطراف علم اجمالی است

چراکه: یقین داریم تقدم و تأخری هست ولی نمی دانی وضع مقدم است یا استعمال
مرحوم آخوند: به تعارض استصحاب ها اشاره کرده اند
دیگران: استصحاب در اطراف علم اجمالی جاری نمی شود

ما می گوئیم

(۳)

اگر گفتیم حقیقت شرعیہ ثابت است و لازمہ وضع شارع، نسخ معنای لغوی است

نسخ معنای اول از دو راه ممکن است:

۱. وقتی کسی چیزی را اختراع می کند و لفظی را برای آن قرار می دهد، طبعاً لفظ را از معنای اول خلع می کند
۲. و یا به این جهت که کثرت استعمال در معنای جدید باعث می شود، علقه حاصله از استعمال کثیر (قرن) بیش از علقه حاصله از وضع لغوی شود

اگر چنین فرضی حاصل بود: لفظ را بر معنای شرعی حمل می کنیم

اشکال شهید

صدر

اگر حقیقت شرعیہ ثابت شد ولی معنای لغوی منسوخ نشد:
در این صورت باید توقف کرد.

اگر حقیقت شرعیہ ثابت نبود:
حمل بر معنای لغوی می شود

اشکال شهید

صدر

(۲)